



۲۰۱۹/۰۳/۲۵



دوکتور محمد اکبر یوسفی

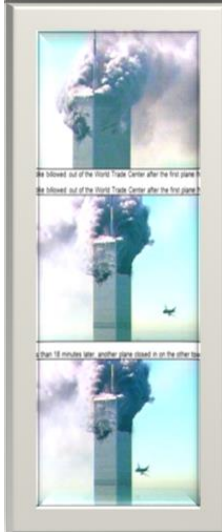
سخت ترین وظیفه در جهان! (بخش هفدهم و آخر)

یادداشت: این بخش بتاریخ ۲۰۱۵/۰۴/۰۲ نشر شده است، حال، به آدرس "آریانا افغانستان آنلاین"، جهت نشر دوباره تقدیم است.



"افغان ها را نمی توان خرید، اما می توان کرایه کرد. تا حد معین، این کلتور کرایه، در قرن ۱۱ از جانبیرتانی ها عملی شده است، که حال هم رویدست گرفته شده است"

(از مصاحبه با "پروفیسر داکتر گنراد شیتز"، پوهنتون "بن"، در رابطه با "کنفرانس بین المللی لندن، سال ۲۰۱۰م، در مورد خروج قوای "ناتو" از افغانستان، که موضوع باز نمودن راه "مذاکره "با" طالبان معتدل " و هم چنان موضوع "خریداری" قوماندانان جنگی طالب را در برداشته است"). آیا " رهبران فعلی هم کرائی خواهند بود؟"



درین مرحله، فقط قدرت بزرگ، در همکاری با متحدین آن، که همبستگی و حمایت بی سابقه بین المللی را در "جنگ علیه تروریسم"، حاصل داشت، در تناسب و توازن قوا، بین طرف های درگیر در "جنگ داخلی" افغانستان نیز، وضعیت جدیدی را ایجاد نموده و به عبارت دیگر، "فکت های" نوی را به میان آورده است. بدین معنی که حاکمیت سیاسی، بهتر گفته شود، بخش خدمات سیاسی - اداری دولتی به تشکل ها و افراد "قراردادی" جدید، سپرده می شود.

درین مدت، یعنی حضور قوای خارجی و بخصوص در سالهای که علاوه بر تمویل امور «اداره دولتی» در قریب همه ساحات، همکاری ها و پشتیبانی های وسیع خارجی جریان داشته، سختی این وظیفه را نمی توان، تا حدی دقیق و شفاف مشاهده توانست. روشن نبوده است، که صلاحیت اصلی، اداره و حاکمیت در کدام موقف نهفته بوده است. این را هم می توان در نظر گرفت، که بازی های مغلق سیاسی از یک طرف، خود خواهی، و فریبکاری های مشهود، در بعضی از حلقات، گروپ ها و خانواده های با نفوذ از جانب دیگر، نقش صدمه افزای خود را برای سیستم سیاسی اجتماعی، نشان می داده است. دستگاه اداری و حلقات سیاسی، در حقیقت در قید نفوذ دو حلقه، قرار داشته و دارد. این دو حلقه عبارت بوده اند از، «متنفذین محلی» و «روحانیون عقبگرا»، در تحت نام «علمای دین»، که از قرون به اینطرف، در ضدیت با "مُدرنیزم"، قرار گرفته اند. این حلقات اند که، گاه گاه بطور غیر مترقبه، حالات «بحرانی» و «انارشی» را هم مسلط می سازند. این حلقات اند که بیشتر از دیگران، شانس فعالیت و عمل در محور قدرت، دارند و تا اکنون، هیچ قانون درین کشور، آنها را در قید قانون دولتی، آورده نتوانسته است.



وقتی فهرست وقایع را در افغانستان، پس از ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱م در نظر بگیریم، دیده می شود که وقوع حوادث، حتی در مدت قریب سه ماه، بعد از آن حوادث «نیویارک» و «پنتاگن»، که تصاویر چندی، بعنوان نمونه تعیین گردیده است، اصلاً سرنوشت، «اداره بعدی» را هم پی ریزی نموده است. آن تقسیم قدرت که در همان روز های اول ربع چهارم سال ۲۰۰۱م، صورت گرفته است، در عمق تا همین اکنون، تغییر کیفی ننموده است. در حقیقت امر، دست و پای جامعه را بسته است، که از حرکت به پیش جلوگیری، می نماید.

ادعا هایی را پخش نموده اند که گویا، در سال "۲۰۰۱م"، ایالات متحده آمریکا، با " ... مجوز شورای امنیت سازمان ملل متحد به افغانستان حمله کرده و رژیم طالبان را سرنگون ساختند..."، برخلاف این ادعا، اصلاً این اقدام کاملاً از جانب ایالات متحده

امریکا طرح و عملی گردیده است، که در عین حال، از حمایت و همراهی متحدان آن، برخوردار بوده است. همزمان، برخی از حلقه‌های قدرت و هوا داران آنها، همیشه و تا حدی هم با "اشتیاق"، روابط "میان امریکا و افغانستان را"، "با رابطه میان یک کشور مسلط و کشور تحت سلطه" تعریف می‌کنند. صرف نظر از اینکه ماهیت این "تحت سلطه" را روشن نمی‌سازند، که چه نوع سلطه است؟ و هم این سلطه بر کدام مناسبات و برای چه زمان و در قید کدام قرارداد بین المللی حکم فرماست؟

هدف از تذکرات مختصر درین مورد، این نیست که، این نویسنده، موضوع "خوب" و "بد" مثنی ایالات متحده امریکا و متحدین آنرا ارزیابی نماید، بلکه با ارائه "فکت‌ها" به خوانندگان علاقمند محترم، مواد تهیه گردد، تا خوانندگان خود تصویری را از آن بدست آورند. نویسنده خود حکم صادر نمی‌کند. و هم اینکه کدام قدرت‌ها آنرا مطرح و عملی نموده باشند، موضوع بحث قرار دهد، بلکه تلاش صورت خواهد گرفت، تا در رابطه با لحظات قبل از آغاز، عملیات جنگی، در افغانستان، چنان "فکت‌ها" و معلومات در باره وقوع حوادث تهیه و طوری جمع‌بندی گردد، تا هر کس خود از آن، تصویر روشن، حاصل نموده بتواند و قادر به قضاوت شود. در تصاویر فوق می‌بینید که طیاره چگونه مستقیم بسمت یک بلند منزل یا "برج" نزدیک می‌شود. در حقیقت همه می‌دانیم که درین حملات "تروریستی"، بر دو برج حمله صورت گرفته و تخریب شده است.

سالهای بعدی، بعد از آغاز "عملیات ضد تروریسم"، ممکن ذهنیت‌هایی را تشخیص کرده باشیم، که موضع‌گیری‌هایی هم از آدرس مقامات "اداره موقت"، بشمول رئیس، فورمولبندی کرده باشد، که بعد از یک مرحله، به "شکایات" و "انتقادات" از "قوای خارجی"، شنیده شده و گاه گاه حتی مشخص به شکایت از قوای "ایالات متحده امریکا" متوسل شده اند، چنین ادعا‌ها ممکن تاکتیکی و برای اغفال و گاهی هم صریحاً به هدف جلب هوادارانی هم بوده باشد، که حضور آنها، در حلقه‌های پراکنده، از داخل اداره گرفته تا خارج از آن، متصور می‌باشد. بدون شک، "نا راضی‌هایی" هم در محافل "جهادی" و "جنگ سالاری"، چه در داخل و چه در خارج از حاکمیت موجود اند، که از مواضع "بنیادگرایی" و "افراطیت"، بر ضد "غرب" عمل می‌کنند، که فاقد داشتن رشته‌های مرموز و نفوذ معین در دستگاه حاکمیت هم نخواهند بود.

در حالیکه، این نویسنده، با شیوه "تبلیغاتی" و برداشت، نویسنده‌های این حلقه‌ها، که مدعی چنین ادعا‌ها می‌باشند، خواهان مباحثه و مناقشه، نمی‌باشد، گاهی هم، چنین انتباه از همچو برداشت‌ها حاصل می‌گردد، که ممکن بسیاری از آنها، به ماهیت وقوع حوادث "۱۱ سپتمبر" ۲۰۰۱ م توجه لازم و دقیق مطابق نورم‌های بین المللی با احرام به کرامت و حق زندگی انسان نداشته و در باره عواقب بعدی آن هم، با در نظر داشت تسلسل وقوع حوادث، دقت لازم نداشته بوده باشند. چنین حلقه‌ها احتمالاً بیشتر غرق حدسیات و تصورات ذهنی بوده، با بهانه‌های دلخواه و هم استفاده از پیشداوری‌ها و ضدیت‌های متنوع که عاری از "نفرت" و "ضدیت با فرهنگ بیگانه" هم نمی‌باشد، به ادعا‌های "خود راضی کننده" می‌پردازند، که با اصل واقعیت‌ها، رابطه نداشته و سر و کاری هم ندارد.

قبل از اینکه، بر بعضی حوادث دیگر هم، روشنی انداخته شود، این چند تصویری را هم از منابع "بی بی سی"، در باره حوادث "نیویارک و واشنگتن (عمارت پنتاگن)"، از نظر می‌گذرانیم:

درین جا فقط بخاطر رفع احتمال سوء تعبیر از مناسبات دولتی، بین افغانستان و ایالات متحده امریکا و هم چنان برخی از صلاحیت‌های حاکمیت‌های دولتی و صلاحیت و نقش شورای امنیت سازمان ملل متحد، تذکر بعمل می‌آید، چنین برداشت‌ها، با وقوع حوادث، و حقیقت جریان "حمله" به "افغانستان در مطابقت دیده نمی‌شود.

حاکمیت در ایالات متحده امریکا، بحیث یک "قدرت جهانی"، که حتی از جانب بعضی‌ها، "یگانه قدرت" در جهان امروز تعریف شده است، درست به روز سه شنبه، تاریخ ۱۱ "سپتمبر" ۲۰۰۱ م، که درین جا، جریان انجام عمل "ترور" را در "نیویارک" و "واشنگتن" فقط بطور نمونه، تخریبات را با تصاویر می‌بینید، **کشور خود را تحت یک حمله یا "تجاوز" جنگی یافت.** نشرات خارجی، منجمله "بی بی سی" در صفحات "آنلاین آن" این حوادث را، با تصاویر وحشتناک خبر می‌داده است، که می‌توان تصاویر بی شماری را با گزارشات دقیق خبری ۱۱ سپتمبر از "آرشیف‌های نشرات"، دوباره از نظر گذشتاند. **همه شاهد آن بوده ایم، که این حوادث جهان را تکان داده است.**

در جریان این وقایع وحشتناک دیده می‌شود، که رئیس جمهور ایالات متحده، "جورج دبلیو بوش" که در همان دقایق در یکی از مکاتب "فلوریدا"، خارج از "قصر سفید" حضور داشته است، اطلاع این واقعه را، یکی از مأموران دولتی، به گوش او در فرصتی می‌رساند، که مصروف صحبت در برابر شاگردان مکتب بوده است.

"بی بی سی" در گزارش "انترنتی" آن، روز چهارشنبه، تاریخ ۱۲ "سپتمبر" ۲۰۰۱ م، یک روز بعد از حادثه، با نشر تصویری، اظهار "جورج دبلیو بوش"، رئیس جمهور را در سطر فوقانی آن تصویر، بدین متن نوشت: «بوش این حمله را "عمل جنگی" نامیده است». در پایان تصویر خبر داده می‌شود که «ایالات متحده در انتظار یک زد و خورد و مخالفت طولی مدت می‌باشد». در تفصیل بیشتر، گزارشگر می‌نویسد: «رئیس جمهور ایالات متحده، جورج بوش، گفت، که حمله روز سه شنبه، بر "مرکز تجارت جهانی و پنتاگن"، یک "عمل جنگی" بوده است. آقای بوش در صحبت خود در قصر سفید هم چنان، گفته

است: ایالات متحده به صف آرائی جهانی بخاطر پیروزی بر آتهانی که به این حمله دست برده اند، مبادرت می ورزد.» به ادامه می خوانیم: «سفرای "ناتو" برای نخستین بار در تاریخ آن، خواستار یک ماده دفاع متقابل در قرارداد مؤسس این سازمان، شده اند. در اعلامیه شورای "ناتو" گفته شده است که: "بر اساس آن، متحدین "ناتوی" ایالات متحده، آمادگی نشان داده اند، تا کمک لازم را برای نتایج این عمل برپریت، تدارک ببینند"»



in Laden: Most wanted terrorism aspect (این آتن: بطریق از مهم تروریسم جنبه)



در همین گزارش از زبان رئیس جمهور بوش حکایت می شود که گفته است: **"این جنگ و حل آن زمان طولانی را در بر خواهد گرفت. اما هیچ اشتباه در آن دیده نمی شود، ما پیروز خواهیم بود."** از روی منطق، همین چند. اظهار، یک روز بعد از "حادثه" کافی است، تا ادعاهای بعضی ها را در مورد اینکه گویا، بشکلی از اشکال، جنگ به اجازه «سازمان ملل متحد»، آغاز یافته باشد، و یا به نحوی از انحاء، ایالات متحده و "ناتو"، "نیازمند" دریافت «مجاز» خاص سازمان ملل بوده باشند، کلماتی است، میان خالی و دور از واقعیت های عینی. منشور سازمان ملل متحد، راه های روشنی را در برابر اعضاء، در "منشور" سازمان، از همان آغاز تأسیس آن، تصویب نموده است

در همان روز، مقامات رسمی ایالات متحده آمریکا، "فکت ها" و معلومات متفرقه را هم، در باره "طیاره ربایان" منتشر ساخته، بعداً بنابر همان اطلاعات، "متحدان ناتو" آنکشور را معتقد ساخته است، که متهمین و مظنونین اجرای این عمل در افغانستان، مرکزیت داشته اند. درین رابطه، «مدیر "اف بی آی" (FBI) (دفتر فدرالی تحقیقات)، ("رابرت میولر" (Robert Mueller)، در یک کنفرانس مطبوعاتی گفته است، که همه طیاره "ربایان" را شناسایی نموده اند.

در عین زمان، مدعی العموم ایالات متحده، "جان اشکروفت" (John Ashcroft) گفته است، که تعدادی از "طیاره ربایان"، در ایالات متحده، تمرینات و آموزش "پیلوتی" دیده بودند. در ضمن در ارتباط با انکشافات دیگر، در جریان روز گفته شده است: «کولن پاول»، وزیر خارجه ایالات متحده، اظهار داشته است، که خطر متجاوزین یا حمله کنندگان، محسوس بوده است، حال واضح شده است، که بازگشت «آقای بوش» از روز سه شنبه، به واشنگتن، بتعمیق افتاده است. مدعی العموم گفته است، که مقامات عدلی، بین سه تا شش فرد را در ربودن هر طیاره، دخیل دانسته است

این نقاط تذکار یافته، هم چنان، استدلال رئیس جمهور ایالات متحده را که فضای کشور خود را با این حمله، بعنوان "عمل جنگی" یاد می کند، تقویت بخشیده است. در همین روز، بعد از "شوک دیروزی" خیر نگار «بی بی سی»، از زبان سخنگوی "قصر سفید"، "آری فلاشر" (Ari Fleischer)، گفته است، که خطر حملات دیگر، بطور قابل ملاحظه تخفیف یافته است. در عین حال، معلومات مقدماتی را در یک ستون خاص در باره "تلفات جانی"، مختصراً چنین بیان می کند: "بیم آن می رود که تمام ۲۶۶ نفر در پرواز این چهار طیاره، کشته شده اند. بین ۱۰۰ تا ۸۰۰ نفر هم عقیده بر آنست که، ممکن در "پنتاگن" کشته شده باشند. تا به حال از هیچ نجات یافته، گزارش نرسیده است. بر طبق اطلاعات رسیده از ۴۱ انسان، کشته شده تا به حال در "مرکز تجارتی بین المللی" (WTC)، خبر رسیده است. بتعداد ۴ نفر از زیر مخروبه ها و سنگ ها، زنده نجات یافته اند. گفته می شود که یک چند هزار انسان، کم از کم، در عمارت متذکره اولی، در یک زمان تخمین شده است، که اولین طیاره تصادم کرده است. حد اقل ۲۵۹ کارکن امنیتی با «بیونفرم» مفقودالآثر گردیده اند، بیم آن موجود بوده است، که همه مرده باشند.

از زبان رئیس جمهور ایالات متحده امریکا حکایت می شود، که وضعیت در امور روزمره عادی نیست، هریک در حالت اضطراری برای ارتقای کیفیت امنیتی تلاش می ورزد. «همین امروز صبح درخواستی به "کنگرس" می فرستم، تا وجوه فوق العاده برای ضروریات عاجل در اختیار بگذارند، که به قربانیان رسیدگی شده بتواند. در همین گزارش، مکرراً تذکر داده می شود که، دو طیاره ربوده شده بر دو برج، مرکز تجارت بین المللی در نیویارک اصابت نموده، باعث انفجار و آتش سوزی گردیده است، که در نتیجه در هر دو برج دچار سقوط و فروریختن شده است. در سومین عمارت در "پنتاگن"، طوری که قبلاً نیز تذکر رفته است، هم چنان باعث حریق گردیده و از تلفات جانی هم در سطر فوق، تذکر بعمل آمده است.

تحقیقاتی که از جانب مأموران و "ایجنت" های "اف بی آی" صورت گرفته است، از مشاهداتی نام برده شده است، که در این اعمال هواداران "معاند و مخالف سعودی"، "اوساما بن لادن" (Osama Bin Laden)، که در محل زیست یا شهر "بروارد" (Broward) و ساحل "دایتونا" (Daytona) در ایالت فلوریدا، فعالیت دارند، مظنون شمرده اند. در عین زمان، بر اساس گزارش، "بوسطن هیرالد" (Boston Herald) در "مساچوسیت (Massachusetts)، کم از کم بتعداد "پنج عرب" را شناسایی نموده اند، که در آغاز حمله از میدان هوایی "لوگان" (Logan)، مظنون شمرده شده اند.

مأموران گفته اند که "موتری" را یافته اند که در آن به زبان عربی، اسناد تمریناتی پرواز انفرادی طیاره، یعنی توسط پیلوت، بار بوده است، که در یک پارک مرکزی قرار داشته است. در جای دیگر از "بوسطن گلوب"، نقل می کند که "بکس سفری"

یکی از افراد یافت شده است، که به "بوسن" در یک پرواز دیگر رسیده است، بعد از این که ارتباط او از پرواز قطع شده است. درین محموله یک "قرآن"، یک "ویدیوی" توضیحی در باره پرواز های طیارات تجاری و ماشین حساب بای محاسبه مصارف مواد سوخت، وجود داشته است. هم چنان یاد شده است، که ربایندگان طیارات، قادر بوده اند، آنچه را انجام دهند که انجام داده اند، مانند "قاچاق" نمودن تیغ، محفوظ در وسایل حامل اسلحه مانند چاقو، در طیاره. از زبان سناتور جمهوری خواه "اورین هاچ" (Orrin Hatch)، نقل می شود که موصوف تمام نقاط را بسوی "بن لادن" دانسته اند. (« بن لادن»: بیشترین از همه در تروریزم مظنون)»

سناتور علاوه نموده است، که مأموران استخباراتی، مکالمات و صحبت هایی را ثبت نموده اند، که بین "بن لادن" و حامیان او صورت گرفته است، که در مورد حمله سه شنبه، بحث داشته اند و از اهداف اصابت شده، قدرانی و تصدیق بعمل آمده است.



در چنین شرایط، همین منبع "بی بی سی" گزارش می دهد، که با وجود همه، "طالبان حاکم" در افغانستان، که در قلمرو تحت کنترل آنها، آقای بن لادن زندگی دارد، مفکوره را رد می کنند، که او در حادثه دخیل بوده باشد. اما، عضو هیأت تحریر شعبه مسایل بین المللی خبر رسانی "بی بی سی"، "جان سیمپسن" (John Simpson)، مدعی بوده است که: "آقای بن لادن" (Mr Bin Laden)، بدون شک، قادر به عملی ساختن این حمله بوده است. او هم چنان می گوید که "آقای بن لادن"، به تعداد ۲۰۰۰ نفر در "کمپ های تعلیمی" در افغانستان، در حال تمرین داشته است، که اکثریت آنها را اعراب، از کشور های الجزایر، عربستان سعودی و مصر، تشکیل می داده است.

روز دوازدهم سپتامبر ۲۰۰۱م، "بی بی سی" با نشر این تصویر، در سطر فوقانی تصویر نوشت: «بوش این حمله را، "عمل جنگی" تعریف کرد.» در پایان تصویر، نوشته شده است: "ایالات متحده در انتظار یک جنگ طولانی است."



"شورای امنیت سازمان ملل متحد، در اولین فیصله آن، این "عمل ترور" را محکوم کرده است. تا این زمان، فقط مسئولین قصر سفید، در موضوع دقیق ساختن متهمین بوده اند.

منشور سازمان ملل متحد، مواد کافی ذخیره داشته است، تا جلو اعمال و اقدامات هر دولت را برای دفاع از "قلمرو" خود آنها مانع نشود. بهر دولت حق داده است، تا به آن مراکز و قلمرو ها، حمله کند که از آنجا ها، بر قلمرو آن حمله صورت گرفته باشد. بناءً ایالات متحده هم از شورای امنیت تقاضای امنیت تقاضای "اجازه" را برای دفاع خاک خود ننموده است، این جنگ هم "جنگ سازمان ملل متحد



(« انفجار از طیاره، در یک جانب "پنتاگون" باعث حریق مشتعل گردیده با توسعه حریق موثرها در سطح، اوار را بوجود آورده است.»)

نیست. این جنگ ایالات متحده و متحدان و سایر کشور های مصمم در مبارزه مشترک علیه تروریزم می باشد، که هر یک از این کشور ها، هم امتیاز عضویت در سازمان ملل متحد را دارا می باشند.

قابل تذکر است، که "سازمان ملل متحد"، دولت "دولت ها" نیست، که هر دولت از آن، اجازه، بخواهد. ایالات متحده، هم چنان، طوری که ذکر شد، اجازه عملیات را نخواست است. اصلاً ممکن طرح چنین مطلب در میان نبوده باشد، بناءً "پذیرفتن" چنین مفهوم که گویا، این اقدام را سازمان ملل تصدیق کرده باشد و یا علیه آن، به اعتراض پرداخته باشد، مطرح نیست. ایالات متحده، این جنگ را با قبول مصارف "میلیارد ها دالر" در پیش گرفته است. قوای خارجی موجود در افغانستان هم، قوای فرستنده سازمان ملل متحد نیست. البته کشور های عضو، قریب دو ماه بعد از جنگ، خارج از قوای متحدین "ضد تروریزم متحدین"، قوای "صلح و امنیت" برای افغانستان تشکیل داده اند، که بعداً رهبری آن، به پیمان دفاعی "ناتو" سپرده شده است. برخلاف تصور برخی ها که گویا رهبری آن در دست مأموران سازمان ملل متحد باشد و یا به اجازه تحریری آن سازمان صورت گرفته باشد، باز هم تکرار می گردد، که این عملیات از جانب ایالات متحده و متحدان آن، تحت فرماندهی «قوای سنتکوم» آنکشور صورت گرفته است.

روابط "دولتین"، افغانستان و ایالات متحده آمریکا، دارای سابقه خیلی طولانی تر می باشد. هم چنان معقول است، تا در هر نوع شرایط، باید روابط "دولت ها" و "حکومات" را با دقت در نظر گرفت. همه می دانیم، که افغانستان در طی مدت قریب ۴۰ سال به مراحل مختلف بحرانی قرار گرفته است. اگر زمانی "قوای شوروی" داخل کشور بوده است، با وجود آنکه ضدیت و مقاومت مردم هم علیه آن وجود داشته است، در هیچ جا تا به حال نویسنده، سندی را ندیده است، که سرزمین افغانستان، منحصی یک خاک "اشغالی"، رسماً در اختیار یک کشور خارجی قرار گرفته باشد و دیگران هم با چنان یک وضعیت موافق بوده باشند.

خوب بیاد داریم، زمانی که علیه "حکومت کودتایی"، در افغانستان، مقاومت بوجود آمد، بر اساس تعاملات

ممکن "بین المللی"، یک حاکمیت، بعبارت دیگر یک "حکومت غیر محبوب" در افغانستان، از یک دولت دیگر، "اتحاد شوروی"، که با آن "قرارداد متقابل" داشته است، "دعوت بعمل آورده" است. دولت هایی که از "مقاومت ضد حکومتی" و "ضد" حامیان

آن حکومت، حمایت می نموده اند، می گفته اند که مناسبات «دیپلوماتیک» و سایر روابط را با "حکومت" قطع کرده اند. نزد آنها، برسمیت ساختن مجدد دولت در صورت تغییر حکومت، مطرح بحث نمی باشد. با سقوط "حکومت چپی"، بین قدرت های "بزرگ"، یک حل "صفری" بوجود آمد. بعد از آن، یک "جنگ داخلی" در حقیقت، کشور را فاقد "حکومت" واحد و "دولت مرکزی" ساخت. اما هیچ یکی از جوانب درگیر، نتوانسته اند، یا یک "دولت واحد مرکزی" را در عمل، تشکیل دهد، یا طبق دلخواه خود آنها، "تجزیه" کشور را تحقق بخشیده بتوانند. اینرا هم می دانیم که هیچ یک کشور عمده خارجی، در طول زمان بحران حاضر نه شده است، که تجزیه کشور را برسمیت، بشناسد.

پس از وقوع حوادث ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱م، طوری که در فوق ذکر شد، ایالات متحده، در بیانیه ۲۰ ماه سپتمبر همان سال، هم چنان بعد از اینکه "متهمین" عمل "ترور" و تجاوز بر کشور آنها را به «متحدان ناتوی» و دیگر کشور ها، نیز معرفی نمودند، "جنگ علیه ترور" و برای "آزادی دوامدار" در همکاری با "اتحاد شمال"، که ۱۰ فیصد خاک را تحت کنترل داشته، در عین زمان، "چوکی کشور را در سازمان ملل متحد" نیز در اختیار داشته است، درست به تاریخ «۷ اکتوبر ۲۰۰۱م» توسط "سنتکوم"، یعنی قوای ایالات متحده، آغاز یافته است.

اداره چیان "اتحاد شمال" در داخل زمینه اشغال مواضع را در دولت قبل از رسیدن به حل، یعنی «ایجاد اداره مؤقت»، بدست آورده اند. در مورد وضعیت مؤقتی که در برابر افغانستان قرار دارد، نباید با بی حرمتی و فقط، به پیروی از افکار احتمالی "ایدیالوژیکی" و ذهنی به نفع کدام گروپ کار گرفته شود و شرایط دشوار زندگی مردم ما را که بغیر از آن دشوار است، بیشتر دشوارتر ساخت. در افغانستان قوای خارجی تا هنوز حضور دارند. جنگ هم جریان دارد، اما کدام سند "استعماری" با کدام کشور، به امضاء نرسیده است. نا راض بودن مردم از یک حکومت، هویت مردم را که تا هنوز بحیث تبعه یک دولت شمرده می شوند و کشور همان هویت خود را بحیث یک کشور مستقل حفظ دارد، نفی نمی کند. («خدمات عاجل بزودی در محل آتش رسیده است»)

طوری که می دانیم، ایالات متحده قبلاً تسلیمی و یا اخراج "متهمین" اعمال "تروریستی" را که بطور مشخص علیه سفارت خانه های آنکشور "دخیل" بوده اند، که گفته می شد، آن افراد، در ساحة خاک افغانستان تحت کنترل "طالبان" بسر می برده اند، تقاضا نموده بود. با وقوع حادثه ۱۱ سپتمبر، طوری که در گزارش "بی بی سی" می بینیم، یک روز بعد، درست به تاریخ ۱۲ سپتمبر موضوع «خروج و تسلیمی "بن لادن"» دوباره تقاضا شد. درین گزارش "بی بی سی" هم چنان از آدرس "بن لادن" خبر می دهد، که او به «جهاد مقدس» مصمم است.



مقامات رسمی ایالات متحده، در همین گزارش ۱۲ سپتمبر "بی بی سی"، "مظنون" درجه یک را درین حملات، شخص مخالف و معاند آنها، "متولد سعودی"، دانسته است. گزارشگر می نویسد، وقتی از "سفیر طالبان" در کشور همجوار پاکستان، "عبدالسلام ضعیف" در باره امکان «استرداد "بن لادن" پرسش بعمل می آید، می گوید که در "قدم اول بحث بر هر نوع مدرک ثبوت ایالات متحده خواهد بود." در عین حال تذکر می دهد که "حال پیش از وقت خواهد بود، که روی موضوع استرداد معاند سعودی" حرف زده شود. به ادامه سفیر

به خبر نگاران، می گوید: "هرگاه کدام مدرک ثبوت برای ما ارائه گردد، ما آنرا مطالعه خواهیم نمود." و بعد اضافه می کند که در مورد "تسلیمدهی او، می توانیم در مرحله دوم مذاکره کنیم."

طوری که در سطر فوقانی همین تصویر می بینیم، "بی بی سی"، در گزارش مؤرخ ۱۴ سپتمبر ۲۰۰۱م می نویسد که: "طالبان در مورد "بن لادن" بی اعتنا استند"، در عین زمان در سطر پائین تصویر سفیر طالبان، "عبدالسلام ضعیف" می نویسد: "رهبران طالبان از حمله ایالات متحده بیم دارند."

عضو هیأت تحریر، امور بین المللی "بی بی سی"، "جان سیمپسن" (John Simpson) می گوید، که "ملیسه حاکم بطور ثابت قدم، به موضعگیری خود تأکید می ورزد، که اجازه اقامت به "آقای بن لادن" که در کشور بماند، یک موضوع عزت و افتخار است."

در همین گزارش هم چنان از زبان "بن لادن"، نقل قولی را بدین متن در گزارش برجسته ساخته است: "من از حملات حمایت نموده ام، زیرا این همه عکس العمل مردم تحت ستم را علیه بی رحمی و سببیت ظالمانه تشکیل می دهد."

در جایی دیگر، گزارشگر تذکر می دهد، که "عدول" و هم معکوس نشان دادن حوادث از جانب «رهبران افغانستان» نشان می دهد، که آنها تلاش می ورزند، تا خود را از حمله وسیع قوای امریکایی نجات دهند، در عین حال تذکر می دهد که: «"بن لادن"، دخالت خود را در حمله بر ایالات متحده رد می کند، لیکن می گوید که از "جسارت این عمل"، حمایت می کند.



ذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند.